



انبیایی

آرمان گرایي يا واقع گرایي؟

عدالت است، اما همه می‌دانند که اجرای عدالت برای حکومت نوپای علی علیه‌السلام چه مشکلاتی را به بار خواهد آورد. همه به خلیفه حق می‌دهند که با اندکی بذل و بخشش، حداقل دل طلحه و زبیر را به دست آورد. نارضایتی این دو که به شدت اسیر درهم و دینارند، می‌تواند طومار حکومت عدالت را در هم پیچد و تمام آرزوهای عدالت‌طلبان را بر باد دهد. بیت‌المال تقسیم می‌شود. به آن دو همان مقداری می‌رسد که موالیان و بندگان دریافت کرده‌اند. طلحه و زبیر از ناراحتی دندان‌ها را بر یکدیگر می‌فشارند. به نظر می‌رسد خلیفه جدید حاضر نیست به هیچ قیمتی از آرمان‌های خویش کوتاه بیاید. آیا او آرمان‌گراست؟

سؤال: آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی؟

یکی از مهم‌ترین تصمیم‌ها در زندگی، گزینش میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. اهمیت این گزینش از آن روست که سایر تصمیم‌ها و انتخاب‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بر اساس آرمان‌گرایی، انسان باید همواره به آرمان‌های خویش پای‌بند باقی بماند، هر چند این پایبندی هزینه‌ها و مشکلات فراوانی را برای او در پی داشته باشد. بر اساس واقع‌گرایی، مطلوبیت آرمان‌ها وابسته به شرایط و امکانات است و در صورتی که این پایبندی باعث بروز مشکلات ناخواسته گردد، شخص باید از آرمان‌های خویش دست کشد.

صحنه اول

داخل مسجد پیامبر ﷺ همه به انتظار نشسته‌اند. بعد از یک فصل کشمکش و درگیری، چند روزی است که مدینه آرامشی نسبی به خود یافته است. خلیفه پیشین به قتل رسیده و معترضان به خواست خویش رسیده‌اند. اکنون حق به حق‌دار رسیده و علی رضی الله عنه داماد پیامبر ﷺ بر مسند خلافت نشسته است. همه به انتظار نشسته‌اند تا علی رضی الله عنه زمامداران و امیران جدید را برگزیند. ناگاه خبر دهان به دهان می‌پیچد: نام زیاد بن ابیه نیز در میان امیران جدید حکومت است! آنان که او را می‌شناسند، نیک می‌دانند که این چهره نه چندان خوش‌نام فاقد معیارهای موردنظر خلیفه جدید است. او نه نسبی نیکو دارد و نه حسبی مناسب، اما از سوی دیگر همه می‌دانند که او فرمانروایی توانمند است که با حضور وی، مخالفان حکومت، قدرت عرض اندام در منطقه تحت سلطه‌اش را از دست خواهند داد. آیا در انتخاب او مصلحت‌اندیشی شده است؟ آیا خلیفه جدید اهل مصلحت‌اندیشی است و می‌خواهد از آرمان‌های خویش کوتاه بیاید و حکومت خود را بر اساس واقعیت‌های موجود اداره کند؟

صحنه دوم

زمان تقسیم بیت‌المال فرا رسیده است. همه خوشحالند که حیفومیل بیت‌المال به پایان رسیده و از بخشش‌های خلیفه پیشین که برای نمونه، خمس آفریقا را به مروان بخشیده بود، خبری نیست. این روزها صحبت از

از آرمان را مشخص ساخت. اگر منظور از آرمان، آن هدف نهایی نظام اخلاقی باشد که پایه تمام تصمیم‌های انسان می‌باشد، جز آرمان‌گرایی هیچ گزینه دیگری مطرح نخواهد بود. به عنوان مثال در شریعت اسلامی که غایت نهایی قرب الی الله است، نمی‌توان به خاطر شرائط و مصالح، عملی را توصیه نمود که ما را از این هدف دور سازد.

اما اگر منظور از آرمان، هدف نهایی نظام اخلاقی نباشد، بلکه دستورات اخلاقی و اهداف نزدیکی باشد که مطلوبیت آن‌ها از آن روست که در مسیر نیل به هدف نهایی قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان به صورت مطلق آرمان‌گرا بود؛ بلکه گاه لازم است به سبب شرایط و مصالحی از این سنخ آرمان‌ها دست کشید. برای مثال، گاهی لازم می‌شود به سبب مصالحی مانند اصلاح میان مؤمنین، از راستگویی که یک آرمان در نظام اخلاقی اسلام است، دست کشید و در این زمان دروغ مصلحت‌آمیز مجاز می‌شود. مشابه این امر را در فریضه حج می‌توان مشاهده کرد؛ فریضه‌ای که از آرمان‌های شریعت اسلامی است و ترک آن گناه کبیره محسوب می‌شود. در شرایط خاص ممکن است ترک این فریضه دارای چنان مصلحتی باشد که از مصلحت انجام آن بیش‌تر باشد، در این صورت، نه تنها وجوب خود را از دست می‌دهد، بلکه حرام می‌شود، چنان‌که بعد از فاجعه کشتار حاجیان ایرانی توسط رژیم سعودی، حضرت امام علیه السلام دستور ترک حج را صادر کردند.

دستورالعمل عمومی برای تعیین تکلیف آن است که مجموع مصالح و مفاسد در یک عمل را سنجید و برآیند آن دورا به دست آورد. اگر کفه مصالح بر مفاسد چربید، عمل مورد توصیه قرار می‌گیرد که گاه در حد استحباب است و گاهی واجب می‌شود، به عکس، چنان‌چه کفه مفاسد بر مصالح بچربد، عمل گناه مکرره و گاهی حرام می‌شود. نکته اساسی که باید در این محاسبه مدنظر قرار گیرد، مصالح و مفاسد اخروی است که تاثیر بسیار بیش‌تری از مصالح و مفاسد دنیوی دارد. از این روست که بسیاری امور که ضرر دنیوی سنگینی دارند، به سبب وجود مصلحت اخروی واجب می‌شوند. جهاد فی سبیل الله نمونه بارز این امور است.

این سنخ از واقع‌گرایی به معنای کوتاه‌آمدن از آرمان‌ها نیست. در بسیاری از موارد، هر چند وفادارماندن به آرمان‌ها موجب دشواری‌های فراوان باشد، انسان همچنان باید وفادار به آرمان‌ها باقی بماند؛ چراکه باید برآیند نهایی منافع و مضرات را در نظر داشت. برای نمونه، می‌توان گفت که اجرای برخی اقسام حدود باعث وضع برخی تحریم‌های خاص برای جامعه اسلامی می‌شود، اما سطح تحریم‌ها به گونه‌ای است که در مجموع به نفع جامعه اسلامی خواهد بود. ولی در مصداقی دیگر امر به گونه‌ای است که در مجموع باید از اجرای آن صرف‌نظر نمود.

ذکر مثال ذیل که ناظر به شرائط امروز جامعه ماست، می‌تواند روشنگر اهمیت این مساله باشد. اجرای حدود اسلامی همچون اعدام، سنگسار و شلاق درباره مجرمان، یکی از دستورات شریعت مقدس اسلام است که اجرای آن در شرائط کنونی می‌تواند بازتاب‌هایی منفی را برای حکومت اسلامی به دنبال داشته باشد. خدشه‌دار شدن چهره حکومت اسلامی شاید یکی از آن‌ها باشد. بر اساس آرمان‌گرایی، حکومت اسلامی باید به هر قیمتی، این مجازات‌ها را اجرا کند و نگران پیامدهای منفی آن نباشد. اما بر اساس واقع‌گرایی، اجرای این حدود مشروط به آن است که هزینه‌ای برای حکومت اسلامی ایجاد نکند. اکنون سؤال این است که نسخه پیچیده‌شده دین برای پیروان خویش کدام است: آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی؟

برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا به سراغ سؤالی بنیادین‌تر رفت: تکلیف‌گرایی یا نتیجه‌گرایی؟ بر اساس تکلیف‌گرایی که «کانت» یکی از طرفداران برجسته آن است، پایبندی انسان به دستورات اخلاقی از این روست که آن عمل، پسندیده است و از این رو نباید هیچ توجهی به نتایج برآمده از آن عمل شود. برای نمونه، انسان باید همیشه راستگو باشد از آن‌رو که راستگویی عملی پسندیده است؛ نه بدین سبب که راستگویی به مصلحت است. بر اساس تکلیف‌گرایی، حتی مصالح اخروی نیز نباید مورد توجه قرار گیرد و در غیر این صورت، عمل اخلاقی ارزش خود را از دست می‌دهد. بر این اساس، دیگر نمی‌توان از اخلاقی بودن دروغ مصلحت‌آمیز سخن گفت. اما آیا به‌راستی می‌توان به تکلیف‌گرایی پای‌بند بود؟ اگر راستگویی به قتل انسانی بی‌گناه بینجامد، آیا باز هم می‌توان از نیک‌بودن راستگویی دم زد؟ در صورت تعارض میان دو دستور اخلاقی که ناچار از انتخاب یکی از آن دو باشیم، تکلیف‌گرایان چه راه حلی پیشنهاد می‌کنند؟

در مقابل تکلیف‌گرایی، نتیجه‌گرایی یا همان غایت‌گرایی قرار دارد. بر اساس نتیجه‌گرایی، اخلاقی بودن عمل بر اساس نتایج آن تعیین می‌شود. مطابق این دیدگاه، راستگویی عملی پسندیده به‌شمار می‌آید، نه از آن‌رو که ذاتا پسندیده است، بلکه از آن‌رو که نتایج مفید را در پی خواهد داشت. البته در این که نتیجه مفید چیست، میان مکاتب مختلف اختلاف وجود دارد: برخی لذت حسی، عده‌ای لذت عقلی و گروهی دیگر سود را غایت مطلوب هر عمل پسندیده می‌دانند. نظام اخلاقی اسلام نیز در زمره نظام‌های نتیجه‌گرا قرار می‌گیرد که غایت مطلوب در آن را می‌توان قرب الی الله دانست. از این رو هر عملی که موجب شود جامعه توحیدی به این هدف نزدیک شود، پسندیده محسوب خواهد شد. از همین روست که امکان دارد در شرایطی یک عمل، مصداق عمل اخلاقی و در شرایط دیگر مصداق عمل غیراخلاقی قرار گیرد.

اکنون می‌توان با بصیرت بیش‌تری میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دست به انتخاب زد. برای این انتخاب باید منظور

بر اساس آرمان‌گرایی،

حکومت اسلامی باید به

هر قیمتی، این مجازات‌ها

(همچون اعدام، سنگسار

و شلاق درباره مجرمان) را

اجرا کند و نگران پیامدهای

منفی آن نباشد. اما بر

اساس واقع‌گرایی، اجرای

این حدود مشروط به آن

است که هزینه‌ای برای

حکومت اسلامی ایجاد

نکند. اکنون سؤال این

است که نسخه پیچیده‌شده

دین برای پیروان خویش

کدام است: آرمان‌گرایی یا

واقع‌گرایی؟

راه تشخیص

چگونه می‌توان تشخیص داد که برآیند مصالح و مفسد یک عمل به کدام سمت است؟ برخی امور فاقد پیچیدگی است، به گونه‌ای که هر فردی توانایی تشخیص تکلیف در آن را دارد. برای نمونه، هر چند حفظ حریم مالکیت شخصی یک آرمان می‌باشد، اما اگر بدانیم که کودکی در منزل پدری خویش در حال تلف شدن است، هر انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد که این حریم را بشکند و جان کودک را نجات دهد. در موقعیت فوق‌الذکر، همه اذعان می‌کنند که مصلحت حفظ جان کودک از مفسده نقض مالکیت خصوصی بالاتر است. اما در بسیاری امور دیگر بخصوص مسائل اجتماعی، تشخیص این که مصلحت عمل بالاتر است یا مفسده آن، آسان نیست و به همین سبب در این موارد اختلاف نظر جدی میان اهل اندیشه وجود دارد. به عنوان مثال، در سال‌های گذشته در مورد قطع دست دزدان هیچ‌گاه توافقی وجود نداشته است. چنین اموری را باید به ولی فقیه واگذار کرد تا او که هم با حقیقت احکام و دستورات دینی آشناست و هم شرایط زمانه را خوب می‌شناسد، با مشاوره کارشناسان به تشخیص مصلحت بپردازد.

تلاش برای بازگشت به تکلیف

هر چند در مواردی که مفسده یک تکلیف شرعی، بالاتر از مصلحت باشد می‌توان به ترک آن اقدام کرد، اما این بدان معنا نیست که می‌توان آرمان‌ها را یکسره کنار گذاشت، بلکه لازم است جامعه مؤمنان تلاش کنند تا شرایط بازگشت به اجرای تکلیف شرعی را فراهم سازند. به عنوان مثال، چه بسا لازم باشد که در شرایطی خاص به‌منظور جلوگیری از تبلیغات سوء جهت خدشه‌دار نمودن چهره اسلام، اجرای برخی اقسام حدود اسلامی تعلیق گردد. در این زمان لازم است که کارشناسان و متخصصان برای تبیین کارایی نظام حقوقی اسلام تلاش کرده، محاسن اجرای این حدود در جامعه را برای عموم بازگو کنند و ضمن تبلیغات مناسب، شرایط را برای اجرای مجدد تکلیف شرعی و جلوگیری از فوت مصالح موجود در آن فراهم سازند. از همین روست که نمی‌توان توصیه اسلام را آرمان‌گرایی محض و یا واقع‌گرایی محض دانست، بلکه می‌توان گفت اسلام به دنبال یک واقع‌گرایی آرمان‌گرایانه است که در عین توجه به واقعیت‌ها و شرایط موجود تلاش خویش را برای رسیدن به آرمان‌ها کمرنگ نمی‌کند، چنان که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

بعضی‌ها اشتباه می‌کنند که درمقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر این‌ها واقع‌بینی نقطه مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیت‌ها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدف‌های بلند می‌تواند واقعیت‌ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد.

اسلام به دنبال یک

واقع‌گرایی آرمان‌گرایانه

است که در عین توجه

به واقعیت‌ها و شرایط

موجود، تلاش خویش را

برای رسیدن به آرمان‌ها

کمرنگ نمی‌کند، چنان که

مقام معظم رهبری در این

باره می‌فرمایند:

بعضی‌ها اشتباه می‌کنند

که درمقابل آرمان‌گرایی،

واقع‌بینی را مطرح

می‌کنند. در نظر این‌ها

واقع‌بینی نقطه مقابل

آرمان‌گرایی است. این

خطای بزرگی است؛ چون

آرمان‌گرایی، خودش

واقعیت‌ها را در جامعه

می‌سازد. یک مجموعه با

آرمان و دارای هدف‌های

بلند می‌تواند واقعیت‌ها

را طبق آرمان خود شکل

دهد و به وجود آورد.



